

علیه بوروکراسی و هنجارها، به هواداری از آزادی مدل اوبر

مواظب گاردِ جوانِ لیبرالیسم باشید...

آنتوان شوارتز، نویسنده کتاب «لیبرالیسم بوقلمون صفت، لیبرال‌ها در امپراتوری دوم (۱۸۷۰-۱۸۴۸)»، انتشارات دانشگاه فرانسه-کونته، تاریخ نشر ۱۳ ژانویه ۲۰۲۲.

برگردان بهروز عارفی

نامزدهای راست‌گرایان در انتخابات آینده‌ی ریاست جمهوری فرانسه در ارائه‌ی پیشنهادها، اقتدارگرایانه با یکدیگر رقابت می‌کنند تا در انتخابات درونی حزب شان برای گزینش نامزد برنده شوند. تاحدی که می‌توان گمان برد که راست لیبرال ناپدید شده است. اما این جناح راست با تکیه بر چند رسانه‌ی بزرگ، هنوز چند روشنفکر پرکار در میان خود دارد. موضوع نبرد آنان، ساده‌سازی اموراداری است.

روز ۱۵ سپتامبر گذشته، در بلوار مشهور پاریس، در مقابل تئاتر وارسته صفی طولانی دیده می‌شد. انبوهی از مردم که بیشتر از مردان تشکیل می‌شد، صف بسته بودند که نه در یک نمایش بلکه در یک نشست سیاسی حضور یابند. سخنرانی‌چهره برجسته‌ی لیبرال‌ها، گاسپار کونینگ بسیار طولانی بود - هیچ کدام از مهمانان صحبت نکرد و هیچ بحثی نیز بین حاضران پیش بینی نشده بود - هدف او آغاز جنبشی سیاسی بود که نامش را «سمپل» (ساده) گذاشته بود. بخش‌هایی از سخنرانی اش لحنی آتشین داشت: «آن چه به من جان می‌دهد، شورشی است راستین علیه آن چه باید ستم بوروکراتیک نامید». این موضوع داغ سخنران را راضی می‌کرد و به همه، همه طبقه‌ها، «از بانکدار تا خارجیان بدون مجوز» مربوط می‌شد. پیچیدگی امور اداری - عیب‌هایش، نامعقولی‌هایش -، گرفتاری‌هایش که آزادی فرد و دموکراسی محلی را خفه می‌کند، به مدت یک ساعت و نیم با شور و حرارات مورد حمله قرار گرفت. کونینگ در پایان از همه دعوت کرد تا به کار سیاسی بپردازند «تا از یک زندگی بسته یعنی آن زندگی که هر فرد به فکر خود باشد، بیرون آیند».

انتقاد از بوروکراسی موضوع جدیدی نیست. از قرن نوزدهم، این یکی از نکات مشترک اندیشه‌ی لیبرال است - کتاب «رژیم قدیم و انقلاب» اثر الکسی دو توکویل که به مسئله تمرکز (سانترالیزاسیون) می‌پردازد، در سال ۱۸۵۶ منتشر شد. از سویی دیگر کونیک، ساده‌سازی‌ی را تصور می‌کند که به عنوان محور بازگشت به سرچشمه‌ها، یعنی به سوی «لیبرالیسم راستین» است. در واقع، هیچکدام گمان نمی‌برند که پافشاری بر بازار آزاد به خاطر بار منفی آن، چهره‌ای دروغین به آن می‌دهد. این پدیده حاوی جهت‌گیری بیشتر سیاسی، سوسیوتال (شیوه زندگی افراد در جامعه)، [که اخیراً در ایران جامعه‌گی نیز ترجمه شده است] و

حتی اخلاقی تر است که بر «آزادی فرد» تکیه می کند. لذا کونینگ در روزنامه اکو (۱۸ دسامبر ۲۰۱۹) در تحلیل هفتگی اش تردید نمی کند که بنویسد: «لیبرال ها برای تجدید رابطه با میراث انسانی شان می بایست با خاکسپاری محترمانه وبدون تاسف نئولیبرالیسم شروع کنند».

لیبرال ها ناراضیان ابدی اند. پاسکال سألن با اشاره به حکومت های پی در پی که در فرانسه قدرت را در دست داشتند، آهی کشیده می گوید «شوربختانه هرگز سیاست لیبرالی واقعی نداشتیم، بلکه فقط سوسیالیسم چپ یا راست داشتیم.» (۱). این گفتار ممکن است مایه ی خنده شود، اما سألن به هیچ وجه یک کله پوک نیست. او که در سال ۱۹۳۹ چشم به جهان گشوده از کارکشته های نبرد لیبرالیستی است. این اقتصاددان و استاد پیشین دانشگاه پاریس-دوفین، ستون نویس محبوب مطبوعات محافظه کار از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ و رئیس جامعه مون-پلرن بود. این سازمان را فردریش هایک در سال ۱۹۴۷ برای مبارزه با سوسیالیسم در همه ی شکل های آن تأسیس کرد.

قدمی بیشتر به سوی گولاگ

یک روشنفکر به سبک خود، یک رادیکال است. در کتاب سألن «لیبرالیسم»، به سختی می توان در زمینه ی زندگی اجتماعی و اقتصادی حوزه ای یافت که می بایست اداره اش به بخش دولتی سپرده شود. برعکس هر مقرراتی را مضر و حتی منبع دردسرهایی ارزیابی می کند که مدعی حل کردن آن هاست: آیا بیکاری در واقع «میوه ی مداخله گری دولتی» نیست؟ تقسیم دوباره ی ثروت ها خشونت است («سیاست اجتماعی، جنگ یکی علیه دیگری است»)، قدمی است به سوی گولاگ. حتی جداکردن زباله ها را به مثابه نقض تحمل ناپذیر آزادی هر فرد تلقی می کند، زیرا [به عقیده ی او] به این منجر خواهد شد که در هر خانه ای «یک کارخانه ی تفکیک زباله ایجاد شود که کارگران آن دانشگاه دیده ها، هنرمندان و شرکت ها خواهند بود (۲) – این یک آبروریزی است.

به سادگی می توان سألن را یک اولترا لیبرال شمرد. اما، کسانی که خود را لیبرال معرفی می کنند، چه میانه رو باشند یا رادیکال، به یک جریان فکری تعلق دارند، به نویسندگان مشترکی رجوع می کنند، کمابیش به مجموعه ای از اصول ارجاع می کنند که خواهان آزادی همه چیز هستند، و پیش از همه، آزادی اقتصادی.

به زعم آنها، جای تردیدی در پیروزی ایدئولوژی نئولیبرال وجود ندارد. درست است که آن دوره که فردریش هایک در «جاده بندگی» ازدهای نه سر کلکتیویسم و سرهای گونه گون آن (کینزی گرایان، سوسیالیست ها، اقتصاد مداخله گر دولتی...) را به سختی سرزنش می کرد، بسیار دور به نظر می رسد. در فرانسه نظیر جاهای دیگر برنامه ریزی به فراموشی سپرده شده است، پیوستن به اروپا و خصوصی سازی ها محدوده ی مداخله ی دولت را از نو مشخص کرده اند. اولویت رقابت حتی به بخش های دولتی نیز سرایت کرده است. نتیجه روشن است، حتی بحران مالی سال ۲۰۰۸ به هیچ گونه تردید بنیادی در این باور ها منجر نشد (۳).

اوضاع از نگاه لیبرال ها به گونه ای دیگر است. ابتدا، این «پیروزی» نسبی و گذراست، به ویژه که بخش های مهمی از آئین نامه های «کلکتیویست» ایجاد شده پس از جنگ جهانی دوم، هنوز به قوه ی خود باقی است – از جمله تامین اجتماعی، بازنشستگی، وضعیت کارمندان دولت. گسترش دولت متوقف نشده است، بخش اداری همچنان «ابتکار» را خفه می کند، مالیات همچنان هرج و مرج ناشی از هزینه های دولتی را تغذیه می کند. درحالی که یکی از مشخصه های آموزه ی نئولیبرال دقیقاً سازش ناپذیری آن است: این دکتترین نوعی برنامه حداکثری پیشنهاد می کند و الگویی برای واقعیت، فاصله ی این دو عظیم است ولی این شکاف فاحش هرگز پر نشده است.

سپس، از نگاه طرفداران آن، آموزه ی لیبرال از عدم محبوبیتش رنج می برد که بخاطر تصویر ایدئولوژی بورژوازی آن است که به سختی می تواند منافع شدید محافل بازرگانی را مخفی کند – امری که موجب حمله ی شدید به آن هم از سوی چپ و هم از سوی راست میگردد. وانگهی، لیبرال ها یک نیروی سیاسی سازمان یافته را تشکیل نمی دهند. در صحنه ی سیاسی، سازمان هایی که لیبرالیسم پرچم شان بود، ناپدید شده اند مثل «دموکراسی لیبرال» با ریاست آلن مادلن و آلترناتیو لیبرال که ادوآر فیلیاس و خانم سابین هرولد تاسیس کرده بودند. مسلم است که هنوز شبکه ای مستحکم از جمله در درون حزب "جمهوری خواهان" وجود دارد؛ به یقین، شخصیت های رده اول – از جمله رئیس همین حزب جمهوری خواهان – خود را متعلق به ایده های آن می دانند؛ اما، هنوز حکومت شجاعی که باید اصلاحات ضروری را به انجام رساند روی کار نیامده است: طبق اصطلاحی که ماتیو لن به کار می برد «نیاز میرم به تاچریسم» رفع نشده است.

(۴)

با این همه، نفوذ کهکشان لیبرال در بحث های عمومی انکارناپذیر است، گرچه مرزهای آن کمی ناروشن است. شبکه های اطلس که برای جذب گروه های هوادار مبادله آزاد در سراسر جهان تلاش می کند، شش سازمان را در فرانسه گردهم آورده است: انجمن برای آزادی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی (آپس)، که سازمانی پیشگام در ترویج نئولیبرالیسم است و ژاک گارللو مدت های درازی رئیس آن بود و اکنون سالن ریاست آن را به عهده دارد؛ انستیتو کُوپه که آقای لن رئیس آن است و مدعی حفاظت از میراث روشنفکری است؛ سایت liberux.org که روزنامه ی اینترنتی **Contrepoints** را منتشر می کند که مدعی است یک نوع «سامیزدات لیبرال» است [سامیزدات به روسی به نشریه های زیرزمینی گفته می شد که در شوروی و «اقمار» آن منتشر می شد]؛ و آخر سر، سه اندیشکده ای که سبک تحلیل و کارشناسی کلاسیک تری دارند: انستیتوی اقتصادی مولیناری و انستیتو برای مطالعات اقتصادی – اروپا که ریاست آن ها با دو اقتصاددان، به ترتیب سسیل فیلیپ و پییر گارللو است و نیز موسسه «نسل آزاد». نهادهای دیگری نظیر انستیتو مونتین با امکانات بیشتر می توانند در این فهرست قرار گیرند (۵).

پشتیبانی فوجی از سرمقاله نویسان

اگر انتشار شمار زیاد مجموعه های تخصصی - از جمله گزیده ی ممتاز انتشارات بل لتر با مدیریت آلن لوران - را ملاک قرار دهیم، جنب و جوش این جریان از نظر روشنفکری انکارناپذیر است به ویژه با انبوه کارهایی که زحمت زیادی می کشند (بازهم!) تا حُسن ارتدکسی در اقتصاد یا هوشمندی سیاسی توکویل را خوب جلوه دهند. «دیدارهای اقتصادی» شهر اِکس آن پروونس همیشه پر است، کلاس های میکرو-اقتصاد همین طور. به علاوه، نقطه نظر لیبرالی دارای شبکه ی تقویت کننده نیرومندی در رسانه ها از جمله یک روزنامه رسمی، با عنوان اوپینیون است و در هر لحظه ای می تواند با کاربرد ترجیع بند تکراری در مورد علاج ناپذیری دولت و تقلب در عرضه ی خدمات اجتماعی بر روی فوجی از سرمقاله نویسان حساب کند.

در این خانواده ی بزرگ، «نسل آزاد» به مثابه یک الکترون آزاد قادر به دادن جانی دوباره به نبرد لیبرال است. آزمایشگاه ایده ها به صورت تنگاتنگی به شخصیت بنیادگذار آن، کونینگ وابسته است. او در مدرسه عالی نامدار «نرمال» تحصیل کرده و اگرچه فلسفه [معادل پرفسوری] است. سپس، در دفتر کریستین لاگارد وزیر دارائی در دوران ریاست جمهوری نیکولا سارکوزی کار کرده و پس از آن به یک سازمان بین المللی پیوست. پس از استعفا از این سازمان، او به تدریس و کنشگری پرداخت. پس از شکست در انتخابات به عنوان نامزد حزب لیبرال دموکرات که می خواست جایگزین جنبش دموکراسی لیبرال شود، در سال ۲۰۱۳، در سی سالگی این انجمن را تأسیس کرد.

نخستین گرد هم آئی برای جمع آوری کمک مالی در محل Center of Policy Studies (CPS) یکی از اندیشکده هایی که بازرگان بریتانیائی، آنتونی فیشر بنیاد گذاشته، زیر عکس بزرگ مارگارت تاچر انجام شد [نمادین و معنادار!]. (۶). در این محفل ها، بانوی آهنین، چهره ی نمادینی است، نوعی لنین راست گرایان که با سرسختی و قاطعیت روشنفکری و موفقیت سیاسی اش به شگفتی وامی دارد و رسیدن او به قدرت راه را به روی محافظه کاری در سطح یک کشور و حتی فراتر از آن گشوده است.

در سایه ی چنین حمایت خوش یمنی، کونینگ از صحنه سیاسی دور شد تا نبرد ایده ها را در میان افکار عمومی یعنی در رسانه ها و پیش افراد صاحب نفوذ پیش برد. در چند سال، این ساختار جهشی کرد، پشت سرهم گزارش منتشر کردند و حضور در رسانه ها نیز گسترش یافت. گرچه امکانات محدود (بودجه سال ۲۰۲۰ معادل ۳۳۲۴۵۴ یورو بود) و تعداد اعضا نیز کم بود، سطح خود را حفظ کرده و حضور در رسانه ها نیز تضمین شد. کریستف سلنزر مدیر جدید آن، با سنی حدود سی سال، پیش تر از آن، مسئول گروهکی بود با نام «Affranchies» که ویژگی اش نسخه ی فرانسوی سازمان آمریکائی Students for Liberty با گرایش لیبرتارین (اختیارگرائی) [با لیبرتر (نوعی آنارشیسم) اشتباه گرفته نشود] - نوعی باشگاه دانشجویی

طرفدار «Free State»، مخالف با همه شکل های همبستگی عمومی، که مدیریت آن با Cato Institute وابسته به میلیاردرهای محافظه کار و مخالف نظریه های مربوط به گرمایش آب و هوایی زمین است (۷).

بالین وجود، آرزوهای اعلام شده آن ها از محفل کمی تنگ جوانان مرفه، مشاوران شرکت ها و سینه چاکان بانوی آهنین جلو تر رفت تا افکار عمومی را متقاعد سازد که لیبرالیسم نوعی فلسفه است، و می تواند با همه گفتگو کند و حتی برای همه سودمند باشد. این استدلال کلیدی بر یکی از پیشنهادهای مهم «نسل آزاد» یعنی درآمد پایه ی همگانی اتکا دارد که نقش آن تقویت خودکفائی فرد در گزینش های زندگی و پایان بخشیدن به نوعی اقدامات اجتماعی، نظیر «درآمد همبستگی فعال» (RSA) است، که آن را تحقیر آمیز ارزیابی می کنند. میزان این درآمد اندک خواهد بود - صحبت از کمتر از ۵۰۰ یورو است - که به شکل مالیات منفی به پیروی از سیستم میلتنون فریدمن - دولت پرداخت می کند.

از زمان بحران بهداشتی، «نسل آزاد» در زمینه دفاع از آزادی های همگانی بسیار فعال تر شده است. «دیده بان آزادی های قرنطینه شده» که این انجمن برپا کرده، مجموعه ی محدودیت های دولتی علیه آزادی های همگانی و حقوق اساسی در اثر همه گیری کوید ۱۹ را سرشماری می کند - و امکان می دهد به صورت دقیقی ادامه یا توقف این محدودیت ها را ثبت کند (۸).

این انجمن همچنین در زمینه هائی نظیر مراقبت دیجیتال یا بهره برداری شرکت های غول پیکر دیجیتال از داده های شخصی بسیار درگیر است. در این حوزه، کونینگ تردیدی در حمله به اردوگاه خویش، به خود راه نمی دهد. بدین ترتیب بود که از طرح والری پکرس، رئیس انجمن ایالتی «ایل دو فرانس» [پاریس و حومه بزرگ و نامزد انتخاباتی حزب جمهوری خواهان] درباره ی استفاده از هویت دیجیتالی در وسایل حمل و نقل همگانی انتقاد کرد. - مقاله نویسی اِکو با کنایه می نویسد «به پکن-در کنار-سن» خوش آمدید. به دیده او که نظر ولتر را تداعی می کند بهتر است که یک مقصر یا شبیه آن را آزاد بگذاری تا «میلیون ها انسان را زیر مراقبت قرار دهی». (روزنامه اکو، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۱)

خلاصه نظریات آنان چنین است: مدرسه های آزاد، قانونی کردن حشیش، آزادی رقابت حرفه های قانونمند، آزادی کامل مبادلات، قدرت عمدتاً در دست مقام های محلی تا دولت مرکزی، برقراری مالیات بر کربن و غیره. فراتر از چهره ی عمدتاً جوان و آزادی طلب، تصمیماتی که اندیشکده اتخاذ می کند به روشنی حاوی «برنامه ای به سبک فریدمن فرانسوی» (۹) است. توضیح می دهند که «شعار اصلی این طرح لیبرال عبارت است از «اتونومی» [خودمختاری] و پیش از همه استقلال فردی. دفاع از «اتونومی» به معنی حفاظت از حقوق، و گسترش حوزه ی «مسئولیت» فرد است.

حذف مقررات موقعیت رسمی کارمندی دولت

در مقابل گرایش (بد) به تامین امنیت، میل مخاطره پذیری و رقابت را پیشنهاد می کنند. این برداشت به مسئله های اقتصادی خلاصه نمی شود، بلکه به همه جنبه های سازماندهی اجتماعی ارتباط دارد. از این رو، موعظه ی آزادی انتخاب شامل همه چیز می شود: مصرف، مدرسه، بازنشستگی (عنوان گزارش «نسل آزاد» «بازنشستگی، هر وقت که من بخواهم» است)، حتی مالیات - پس چرا نباید مالیات را لغو و آن را به هدیه تبدیل کرد؟

اشاره به این نکته ضرورت دارد که لیبرالیسم فایده ی دولت را انکار نمی کند - حتی اگر برای حفاظت از حقوق فرد، مالکیت و برای برقراری و تضمین احترام به قانون های «رقابت» هم شده باشد. اما، دولت عمدتاً محدودیتی بر آزادی فردی به نام منافع عمومی اعمال نمی کند تا ظن نقض آزادی فردی بر او نرود و راه حل جمعی نیز ارائه نمی دهد که قدرت حاکمه به نام اموال عمومی در دسر آفرین در پشتش باشد.

بدین ترتیب، برای مثال مسئله زیست محیطی (اکولوژیکی) باید به روشنی بر اصل عدم دخالت در بازار تکیه کند: در اینجا منظور تصحیح «اثرات خارجی منفی» و طرز رفتار بازیگران از طریق ایجاد انگیزه است - مانند مورد مالیات بر کربن. فراتر رفتن از این، سیستم ایجاد انگیزه مترادف با بازکردن جعبه ی پاندور (بلاهای چاره ناپذیر) - یعنی بازگشت به برنامه ریزی و مداخله های غیرقابل پذیرش برای آزادی شرکت هاست. در این صورت، می توان قدرت غول های دیجیتالی را به طور گسترده ای افشا کرد و جمع آوری معمول داده های مشتریان از سوی این کمپانی ها را «یک اخاذی» دانست، پاسخ سیاسی خیلی ساده استرداد مالکیت داده ها به صاحبان آن ها خواهد بود. سپس آنان آزاد خواهند بود که جمع آوری داده های خود را در قبال پرداخت پول بپذیرند. بازار همچنین راه حل در زمینه ی مهاجرت ارائه می دهد: چرا نباید حول فروش ویزا به کارگران، یک «بازار مهاجرت» ایجاد کرد؟

در زمینه ی اخلاقیات، اصل در اختیارداشتن تن خویش به این می انجامد که هر مرد یا به ویژه هر زنی آزاد باشد که روسپیگری کند، برقع به سرکند یا برای دیگران در شکم خود نوزادی حمل کند بدون این که مجازات شود. از این رو، «نسل آزاد» از بارورشدن برای دیگری GPA پشتیبانی می کند. آیا نمی توان هر چیزی از جمله تن دیگری را فروخت؟ دانیل بوریلو، حقوقدان معتقد است که «GPA به عنوان فمینیست ترین شکل بازتولید می باشد، نه فقط به این دلیل که حق زنان را برای داشتن اختیار تن خود تایید می کند، بلکه امکان می دهد برای کاری که در گذشته مجانی انجام می دادند، مزد تعیین کرد (۱۰)». چه پیشرفتی!

آزمایشگاه ایده ها به شناسایی اقداماتی می پردازد که امکان دارد نقاط عطفی را تشکیل دهد برای ایجاد تغییرات عمیق در سیستم ارزش ها و دگرگونی های عمیق در سیاست های عمومی - بدین ترتیب مثلاً، از حذف کمک های دولتی به مقامات محلی [نظیر شوراها، انجمن های ایالتی، ...] گرفته تا حتی

صاف و ساده حذف مقررات انتصابات دستگاه دولتی. (۱۱)

با چنین فرضیات تخیلی، غیرممکن است پیش بینی کرد که کارمندی دولت یا قرارداد کار با دوره نامحدود بتواند به رهایی فرد به مثابه ی کارگر منجر شوند، و آنان را آزادتر سازد چرا که از قید و بند دلواپسی های مادی برای فردا رها شده اند یا آن ها را نسبت به کارفرما یا نفوذ سیاسی «مستقل» تر سازد. برعکس، این موقعیت ها (کارمندی دولت و قراردادکار با دوره نامحدود) خیلی ساده به عنوان مانع یا اثرات گذشته ی پایان یافته تلقی می گردند. افق ترجیهی تازه را کارگری تشکیل می دهد که به «استقلال»، ابتکار و نوآوری شهرت دارد، یا در نبود او، خویش کارفرمای * لایقی مرجح است که با دوچرخه به این کارگر خلاق و نوآور هامبرگر تحویل می دهد. این عبارت است آزادی مدلِ اوپر.

جناب کونینگ در رمان «جهنم» که در اوایل ۲۰۲۱ منتشر شد، یک اقتصاددان از طرفداران فریدمن را مسخره می کند که به جای رفتن به بهشت، در فرودگاه ها سرگردان است. فرودگاه در این داستان، نماد عیب های نئولیبرالیسم است، جهانی که به مغازه های شیک و کنترل های امنیتی کاهش یافته است - کابوسی «های تک» (high-tech).

این نقدِ بیهوده بازتابِ سفر چندماهه ای است که او با اسب و پای پیاده از بردو به رم کرده است. او خواسته مونتین را تقلید کند که سفر دور و دراز مشابهی در قرن شانزدهم همزمان با همه گیری طاعون در فرانسه انجام داده بود. این فیلسوف که دنبال ماجراجویی و «دیدار با مردم» بود با گذشتن از سرزمین های گوناگون، عمدتاً در ناحیه های روستایی، روایتی درون نگرانه ارائه کرده است (۱۲) و فضیلت اخلاقی زندگی در دامن طبیعت را برجسته کرده، جنونِ زندگی شهری و واگذاری به ابزار دیجیتال و انباشت تجهیزات ... و به ندرت برخی زیان های آزادی اقتصادی را بیان کرده است. از جمله نویسنده در مورد رواج ناحیه های بازرگانی که زشتی، سبقت را از پوچی می رباید، تغییر عقیده می دهد: «از پشت عینک ۲۵ سالگی ام، می توانستم ببینم که خود اهالی تصمیم گرفته بودند مغازه های مرکز شهر را رها کنند». اما، با همه این ها، رساله نویس ما از پرسش بیشتر درباره ریشه های این دردها و سیاست آمایش سرزمینی که می توانست از آن جلوگیری کند، خودداری می کند.

او از این دیدارها در زمینه ی سیاسی چه درسی گرفته است؟ کونینگ توضیح می دهد: «همه داستان سیاه مشابهی برای من تعریف می کنند. روایت انسان های صادقی که می خواهند سرشان گرم کار و زندگی خودشان باشد، ولی در زیر سنگینی مقررات خرد می شوند. مقرراتی که نمی توانند رعایت کنند. این سنگینی بار دیوانه می کند» (روزنامه وست فرانس، ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۱). در این سفرنامه یک سلسله رویدادهای مثلاً نمونه هم آمده است: داستان صاحب تاکستانی که قادر به ساختن تعداد ضروری دوش برای انگورچینان نیست، روایت قصابی که بخشنامه جدید در مورد سردخانه تهدیدش می کند، شکایت یک مدیر مهمانخانه روستایی که به خاطر فروختن یک گیلایس الکل جریمه شده یا داستان معماری که قادر به ساخت داربست مطابق معیارها نیست (۱۳). از نگاه آن ها، رعایت معیارها یک چالش است و خبرنگار فیلسوف می افزاید که همه دائماً در حال سُر خوردن در میان شکاف های حقوقی هستند.

در نتیجه، کونینگ جنبش جدیدی ایجاد کرده است. در ماه مه سال ۲۰۲۱، ابتکار عمل او با عنوان «دولتی که خُل می کند. سفر به سرزمین بوروکراسی» در روی جلد مجله ی «لو پوان» چاپ شد. او همچنین از موقعیت مساعدی نیز بهره مند شد. در واقع، چنین برمی آید که مدیریت دولت در مورد همه گیری کوید-۱۹ فرصت طلائی برای افشای بلاهت آئین نامه های نامفهوم، وفور پروتکل های غیرقابل پذیرش و تصمیم های آزادی گُش به دست داد. کونینگ برای نامیدن این ناروشنی ها از «سادیسیم بوروکراتیک» صحبت کرد. او از جمله گواهی نامه ی تردد مجاز را تکان دهنده ترین نمونه خواند. هدف او به راه انداختن جهشی برای ساده سازی قانون ها است. این ابتکار عمل از همان آغاز با استقبال نمایندگان مجلس از گروه «اژیر» [کُنش] (جمهوری به پیش پیشین) روبرو شد. با دعوت نماینده مجلس والری پتی اینان به جنگ «burn-out adminstratif» [فرسودگی اداری] رفتند. رسانه ها نیز استقبال خوبی کردند، و پیش از همه رادیوی دولتی «فرانس اَنتر» که در برنامه صبحگاهی نیکولا دُموران و لئا سلامه با ایشان گفتگو کردند.

سپس «سَمپل» [ساده] در ماه نوامبر امسال «طرح پورتالیس» را معرفی کرد که هدفش در مبارزه با «دوزخ بوروکراتیک»، «کاهش صد باره» مجموعه معیارهاست. این یک بازی بزرگ در جهت بهم ریختن و زیروکردن است که پیشنهاد می گردد، «یک ساده سازی به زور ضربه ی چکش» در حقوق فرانسه. با این وجود، مسئله بسیار پردردسر حقوق اروپائی که امروزه منشاء اصلی حقوق فرانسه است تقریباً فراموش شده است (۱۴) - آیا قصد دارند با چرخش قلمی از کاربرد آن چشم پوشی کنند... یا با ضربه ی یک چکش؟ در بیشتر موردها، به نظر می رسد که این سنگینی مقررات وجود دارد. و از جنبه نظری فراوانی مقررات و محدودیت های دولتی و بخش خصوصی است که نشانه گرفته شده اند. با این وجود در عمل، طولی نکشید که گفتمان سیاسی چرخش دیگری یافت و فقط یک جنبه ی «ستم بوروکراتیک» را مورد اتهام قرار دادند. در همایش ۱۵ نوامبر کونینگ، از زبان او پرید که در شرایط فراوانی معیارها و آئین نامه، «روشن است که بخش خصوصی نقش خود را ایفا می کند» ... و سپس دیگر هیچ. با دقت، از اشاره به موضوع پرهیز شد. گویی برقراری ارتباط دوباره با یک موعظه ی قدیمی محافظه کارانه، که از نظر سیاسی برد دارد ولی از نگاه روشنفکری بسیار غلط انداز است، وسوسه انگیز است.

آزادی در پشت در شرکت ها متوقف می شود

در واقعیت، این انتقاد شرکت را از هر بارانتقادی مصون نگه می دارد. کونینگ معتقد است که این سازمان ها که *Reporting* [تبادل داده ها] در آن ها رایج است، آیا روند ارزیابی و کنترل از نقص های بوروکراتیک در امان می ماند؟ رساله نویس ما همچنین ترجیح می دهد هر آنچه را که فزونی معیارهای دولتی مدیون مداخله ی گروه های دارای منافع خصوصی است، که مشترکاً قانون ها و آئین نامه ها را به سود خود می نویسند، کوچک تر نشان دهند. با این وجود، این نکته یکی از جنبه های مرکزی تحلیل پیشنهادی در آثار داوید گرابر، مردم شناس مورد علاقه کونینگ است (۱۵). گرابر میان بوروکراسی و نئولیبرالیسم پیوندی

ظریف برقرار می کند که می توان در همه زمینه های زندگی اجتماعی از مدیریت بیمارستان ها تا خدمات تحویل کالا ، رقابت، و روش هایی که جایگزین شکل هایی از همکاری می شوند، که قلب زندگی در اجتماع و شرایط یک زندگی آبرومندانه شمرده می شوند، را تشخیص داد. مگر فرد نیست که بی وقفه حسابرس عملکرد هایش تا در زندگی روزانه و خصوصی اش می باشد (۱۶)؟

کونینگ که کتابی را به هوش مصنوعی اختصاص داده بود، به از خود بیگانگی محصولات جدیدی که فناوری تولید می کند و به احساسات روزمره ای که زیر فرمول بندی های باطل، کاربردهای مزاحم، مکالمه های با تلفن های دارای پیام گیر خرد می شود، کاملاً آگاه است. اما درباره این موضوع، پاسخ اساساً اخلاقی و شخصی می دهد: شایسته است که دانش استفاده از اینترنت با تصمیم «کندتر کردن» - در بدترین حالت می توان شبکه های اجتماعی را برای کودکان ممنوع کرد-، مسئولیت داده های شخصی را به خود افراد واگذار کرد و آن ها را اگر تمایل دارند بهتر زندگی کنند، در یاد گرفتن کمتر مصرف کردن آزاد گذاشت.

این کورچشمی سیاسی مایه شگفتی نخواهد شد. در جهان افسون شده ی لیبرال ها آزادی همیشه دم در شرکت ها متوقف می شود. در قرن نوزدهم نیز طرفداران این جریان با تمام نیرو و به نام «آزادی کار» علیه هرگونه مداخله ی دولت که بخواهد از استثمار و رهایی فرد به عنوان کارگر جلوگیری کند، مبارزه می کردند. و اگر از همان دوران، سوسیالیست ها ضمن تاکید بر ارزش های برابری و همبستگی با ایده های لیبرال ها مبارزه می کردند، در نهایت به نام برداشتی سخت گیرانه تر از آزادی بود - جستجوی برابری به مثابه ابزاری جهت ارائه محتوایی واقعی به آزادی ها بود، یعنی آزادی برای همه و تسهیل تحقق آمال هر کس. امروزه از قدرت این برداشت، هیچ کم نشده است. پس چرا می بایست اجازه داد که لیبرال ها خود را نگهبان آزادی های ما قلمداد کنند؟

لوموند دیپلماتیک، دسامبر ۲۰۲۱

*** خویش کارفرما autoentrepreneur**

در فرانسه به رژیم حرفه ای گفته می شود که از اول ژانویه ۲۰۰۹ ایجاد شده و به موجب آن، اشخاص فیزیکی دارای شرکت یا خواهان تاسیس یک شرکت می توانند به فعالیت بازرگانی یا حرفه ای پرداخته و یا شغل آزاد داشته باشند. اینان کارفرمای **خویش** تلقی می شوند. م

پاورقی ها:

Pascal Salin, Le Vrai Libéralisme. Gauche et droite unies dans l'erreur. Odile Jacob, Paris, - ۱
2019

Pascal Salin, Libéralisme, Odile Jacob , 2000.- ۲

- ۳ – به مقاله Eric Dupin در شماره فوریه ۲۰۰۹ لوموند دیپلماتیک مراجعه کنید: Pour les vrais libéraux, la meilleure défense , c'est l'attaque.
- ۴ – سخنرانی های مارگارت تاچر (۱۹۶۸-۱۹۹۲) Discours . نسخه فرانسه چاپ انتشارات Les Belles Lettres, 2016.
- ۵ – به مقاله Grégory Rzepski در شماره دسامبر ۲۰۱۹ لوموند دیپلماتیک مراجعه کنید: Ces viviers où prolifèrent les « experts médiatiques ».
- ۶ – Kevin Brookes, « L'engagement dans un think tank néolibéral », Quaderni, Paris, n° 97, – ۶ automne 2018.
- ۷ – Stéphane Foucart, Stéphane Horel, Sylvain Laurens, Les Gardiens de la raison. Enquête sur la désinformation scientifique. La Découverte. Paris, 2020.
- ۸ – www.generationlibre.eu
- ۹ – گاسپار کونیگ Gaspard Koenig. پیش گفتاری بر کتاب میلتن فریدمن: Capitalisme et liberté, Flammarion, coll. « Champs », Paris, 2016.
- ۱۰ – Daniel Borrillo , préface au rapport de Génération libre, Pour un GPA responsable en France », septembre 2018, www.generationlibre.eu.
- ۱۱ – « Servir l'Etat demain », Génération libre, Paris, novembre 2014. – ۱۱
- ۱۲ – Gaspard Koenig, Notre Vagabonde liberté, Editions de l'Observatoire, Paris, 2021. – ۱۲
- ۱۳ – همان جا
- ۱۴ – Gaspard Koenig, Nicolas Gardère, Simplifions-nous la vie ! Edition de l'Observatoire, – ۱۴ Paris, 2021.
- ۱۵ – David Graeber, Bureaucratie, Les Liens qui libèrent, Paris, 2015. – ۱۵
- ۱۶ – Isabelle Bruno & Grégory Salle, « Bureaucratie néolibérale » dans Antony Burlaud, Allan Popelard et Grégory Rzepski, Le Nouveau Monde, Editions Amsterdam, Paris, 2021.

